

پروفیسور دکتور حسین ییلماز



امت اسلامی



پروفیسور دکتور حوریہ مارتی

نیکی و احسان





انتشارات ریاست سازمان امور دینی ترکیه: ۱۷۶۵

کتاب های عمومی: ۴۳۵

مدیر مسئول
فاتح قورت

هماهنگ کننده
ینوس یوکسل

ویراستار
پروفیسور دکتور حوریه مارتی
رقیه آیدوغدو دیمیر

مترجم
سید لقمان سادات

بررسی چاپ
فاطمه باتکیتار

صفحه آرایی
محمد علی قیرجا
اوغور آلتوتوپ

چاپ
Salmat Basım Yay. Amb. San. ve Tic. Ltd. Şti
Tel : +90 312 341 10 24

۲. چاپ، انکارا - ۲۰۲۰
تصمیم هیئت انتشارات آثار: ۰۵,۰۲,۲۰۲۰/۳۲
۲۰۲۰.۰۶.Y.۰۰۰۳.۱۷۶۵
ISBN ۹۷۸-۶۰۵-۷۷۵۱-۸۰-۵
شماره گواهینامه: ۱۲۹۳۰

© ریاست سازمان امور دینی ترکیه

ارتباط با ما

مدیریت عمومی انتشارات دینی
ریاست بخش انتشارات در زبان و لهجه های خارجی
Dini Yayınlar Genel Müdürlüğü
Yabancı Dil ve Lehçelerde Yayınlar Daire Başkanlığı
Üniversiteler Mah. Dumlupınar Bulvarı
No:147/A 06800 Çankaya/ANKARA
Tel: +90 312 295 72 72 81
Faks: +90 312 284 72 88
e-posta: yabancidiller@diyanet.gov.tr
www.diyanet.gov.tr

«آب در اقلیم سوزان شبه جزیره عربستان به معنای «زندگی» بود. هنگامی که صحرا در بسیاری وقتها انسانها را به آب مشتاق میداشت قبیله های که حسرت آب زلال و سرد را می کشیدند بعضا تنها بخاطر همین، با همدیگر درگیر می شدند. اگرچه مدینه نسبت به مکه کمی سردتر بود ولی ارزش آب هیچگاه تغییر نمی یافت.

چاه های آب به مثل اهالی دیگر مدینه برای ابوظلحه که پدر اندر انس خادم کوچک پیامبر محبوب ما میشد، نیز بسیار ارزشمند بود. درآمد انسانها وابسته به باغهای خرما، و برکت باغهای خرما وابسته به چاه های آب بود. مثلا بیروحه... آب باغ خرمای به نام بیروحه که در مقابل مسجد قرارداشت کاملا چیزی دیگری بود. در روزهای که گرمی انسان را ذوب میکرد آب شیرین و سردی که ازین چاه کشیده میشد، هم به تن مبارک پیامبر و هم به تن دوستان پیامبر تماس میکرد. ابوظلحه بیروحه را بسیار دوست داشت و آن را از تمامی اموال خود برتر میشمرد، به هیچکسی نمیفروخت.

و روزی از نزد خداوند آیتی نازل گردید: «تا از آن چیزهای که دوست دارید در راه خداوند انفاق نکنید به بزرگترین ثواب دست نخواهید یافت.» (آل عمران، ۹۲/۳) می گفت. ابوطلحه بسیار تحت تاثیر قرار گرفت. قلب این قهرمان سلحشور که بارها خود را به پیامبر ما سپر نموده است، لرزید. این صحابی سخاوتمند که در مقابل رسول و اصحابش با انعامها و ضیافتهای خود مشهور بود، دعوت بسوی نیکی آیت کریمه را اجابت فرمود. باغ بیروحه و آب چاه را نسبت به اموال دیگر خود بیشتر دوست داشت. آن را به خیر جامعه پیشکش نموده تصمیم گرفت تا به فقرا ببخشد.

این چه مال مفیدی است! این چه تصمیم سودبخشی است! چقدر خوشبخت است انسانی که با ارزشترین مال خود را در راه خداوند به عنوان صدقه میدهد! وقتی رسول خدا نیز این تصمیم را شنید بسیار خوشحال گردید. (بخاری، وصایه، ۱۰). خواست تا نزدیکان فقیر ابوطلحه ازین بخشش مستفید شوند. بیروحه که امروز در داخل مسجد نبوی قرار دارد سالها به نیکویی خدمت کرد، از انسانیت نمایندگی نمود...»



نیکی چیست؟

زندگی، یک سفر نیکویی است. و انسان مسافری است که بخاطر «ایمان داشتن» و «کارهای نیکو انجام دادن» به این جهان آمده است... آفریننده انسان خداوند است که عطا کننده نعمت ها، مواظب، بخشنده و با رحمت خود احاطه کننده است. و خداوند حیات و ممات را آفرید برای اینکه بیازماید کدام یکی از ما بیشتر کارهای نیک را انجام می‌دهیم. (ملک، ۲/۶۷). در این حال زندگی یک آزمون نیکویی است.

«نیکویی کنید. بدون شک خداوند نیکوکاران را دوست میدارد.» این آیت برای کسانی که زندگی را تبدیل به یک سفر نیکویی نموده اند، هدف ارزشمندی را که می‌توانند به آن برسند نشان می‌دهد: به دست آوردن محبت پروردگارا... و برعکس آن محجوبیت، محرومیت و عذاب است. کسی که از نیکی دوری می‌گزیند و به بدی خدمت میکند یک پایان غم‌انگیز در انتظارش است: «کسی که نیکی آورد پس برای آن پاداش بهتر از این نکویی است. و کسی که بدی آورد، پس بداند کسانی که مرتکب بدیهای شدند تنها مطابق



نیکویی به مانند
دانه ی گندمی است
که میخواهد در
خاک افتاده برُوید،
نمو نموده تا وقتی
پاشیده میشود از
نو به خاک افتاده
دانه گردد و هزاران
نیکویی را به
بار آورد.



پس ایمان و اسلام

ایمان و اسلام دعوتی

باست بسوی نیکویی.

این نیکویی بعضا

اخلاق زیبا، تقوا و

فضیلت میباشد؛ بعضا

حسنات خیر، صدقه و

بعضا احسانات خیر،

تبسم و در آغوش

میآید. بهترین

و خنده روی میباشد.

ممکن است اسم و

شکلش تغییر بخورد

اما اهمیت و ارزش آن

هرگز تغییر نمیخورد.

شکلش تغییر بخورد

اما اهمیت و ارزش

نیکوی و احسان

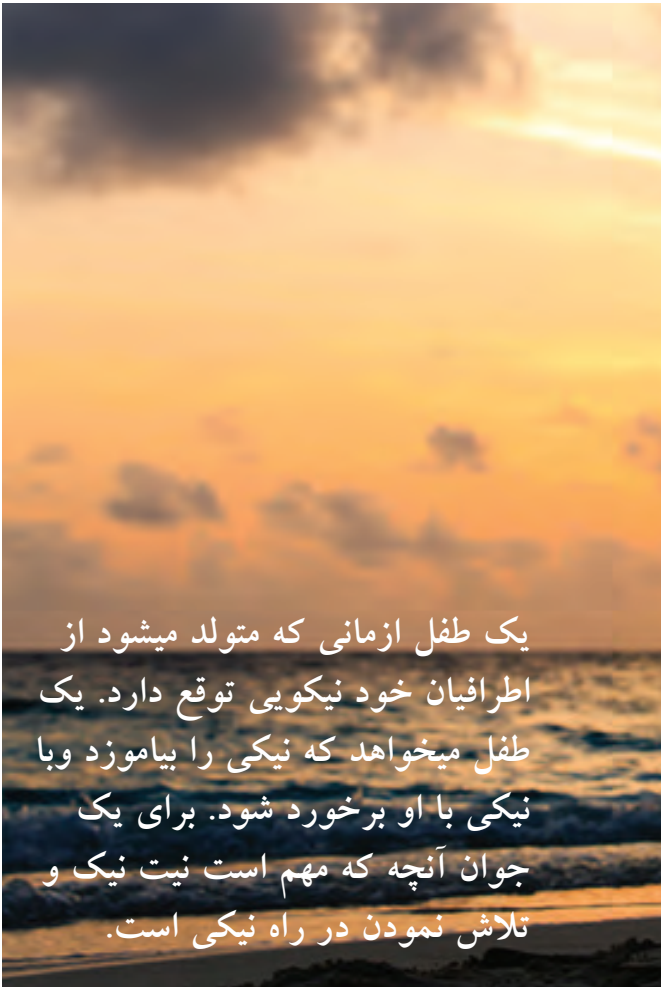
بدیهای را که انجام میدهند مجازات میشود.»
(قصص ۸۴/۲۸).

نیکویی به مانند دانه ی گندمی است که میخواهد در خاک افتاده برُوید، نمو نموده تا وقتی پاشیده میشود از نو به خاک افتاده دانه گردد و هزاران نیکویی را به بار آورد. در درون خود فداکاری را نگه میدارد و این فداکاری حتما پاداشی خواهد داشت. گاهی برای فعلا و گاهی هم در پایان راه... پروردگار متعال ما چنین مژده می دهد: «برای کسانی که کار نیکو کرده اند نیکویی [بهشت] و زیاده [بر آن] است. چهره هایشان را غباری و ذلتی نمی پوشاند. اینان اهل بهشتند [و] در آن جاودانه خواهند بود.» (یونس، ۲۰/۱۰). در آن حال برای رسیدن به «سرزمین نیکویی» نایل گشتن به بهشت جاویدان و غیر محدود، در این دنیا با امکانات محدود هم که باشد فداکاری نمودن یک انتخاب عاقلانه است.

در هر بخش زندگی نیکوکاری برای انسان لازمی است: زمانی که یک طفل متولد میشود از اطرافیان خود نیکویی توقع دارد. یک طفل میخواهد که نیکی را بیاموزد و وبا نیکی با او برخورد شود. برای یک جوان آنچه که مهم است نیت نیک و



تلاش نمودن در راه نیکی است. وقتی انسان بزرگ
میشود از همسر خود رفتارهای نیک، از آمر خود
حرفهای نیک، از مامور خود کارهای خوب توقع
دارد. تنها از انسانهای دیگر توقع نمیکند بلکه از
طبیعت هم نیکی میجوید. از خاک انتظار دارد تا



یک طفل از زمانی که متولد میشود از
اطرافیان خود نیکویی توقع دارد. یک
طفل میخواهد که نیکی را بیاموزد و با
نیکی با او برخورد شود. برای یک
جوان آنچه که مهم است نیت نیک و
تلاش نمودن در راه نیکی است.

که برایش حاصل باکیفیت و با برکت بدهد. از باد،
آفتاب، باران میخواهد تا برایش سلامتی و نیکویی
به ارمغان بیاورد. خلاصه زندگی، سفر پذیرش
نیکویی و از جمله ی نیکوکاران بودن است. مسافر

نیکویی، با شخص تنها دوست شدن، به خسته تکیه گاه، به ناکس پناهگاه شدن است.

در کدام ایستگاه سر بزند هم، توقعش همیشه از
نیکی و نیکویی است.

طرح های نیکی

نیکی در ذات خلقت انسان وجود دارد. اما بدی، در
سفر زندگی مانع بزرگیست در مقابل خوشبختی.
یک صحابی به اسم نواس بن سمان روزی از
پیامبر ما پرسید که نیکویی و بدی به چه معناست؟
پیامبر محبوب ما چنین جواب فرمودند: «نیکی
اخلاق زیباست. و بدی چیز است که وجدانت
را ناراحت میسازد و نمیخواهی انسانها در باره
ی آن بدانند.» (مسلم، بر، ۱۵) پیامبر ما بار دیگر
چنین میفرماید: «سخن و رفتار بد در اسلام جایی
ندارد. اسلام انسان ها نیکوتر است که اخلاقشان
زیباتر است (ابن حنبل، ۵/۱۰۰).

پس ایمان و اسلام دعوتی است بسوی نیکویی. این
نیکویی بعضا اخلاق زیبا، تقوا و فضیلت میباشد؛
بعضا حسنات خیر، صدقه و زکات میباشد؛ بعضا
تبسم و در آغوش گرفتن، سخن شیرین و خنده

نیکی و احسان

روی مییابد. ممکن است اسم و شکلش تغییر بیابد اما اهمیت و ارزش آن هرگز تغییر نمی یابد. نیکویی، تلاش در جهت نیکو شدن است. احسان یعنی کاری که از صمیم قلب صورت گرفته و مکافات آن را تنها از خداوند توقع دارد، نیکی بلندترین مقام ایمان و عبادت است. احسان، نزدیک شدن به خداوند به گونه ای که میدانی ترا هر لحظه میبیند و میشوند و انجام دادن کارهای زیبا که او را راضی میسازد. جهت خود را بسوی کعبه نموده در حضور استادان، وقتی پیشانی اش در سجده باشد تلاش به ادراک قدرت خداوند نمودن، با زکات و روزه خود را تزکیه کردن و یا هم به عزلت رفته در گوشه ای اشک ریخته نام خداوند را ذکر نمودن... همگی عبادت است، همگی نیکی است.

نیکی گریز از بدی است. دوری جستن از بیماری های عصر مدرن؛ از گناه، ظلم و عصیان دور بودن. درآمد ناروا، بی حرمتی در مقابل رنج و زحمت و بی پروایی را با پشت دستان خود دور زدن است. دعوتِ نفس و فراخواندن شیطان را رد نمودن؛ به اصرار هوا و هوس اعتنا نوزیدن. با لباسِ تقوا



نیکی و احسان

مزمین گردیدن با نماز و صبر خود را محافظت نموده در سفر هدایت ثبات داشتن.

نیکویی، با شخص تنها دوست شدن، به خسته تکیه گاه، به ناکس پناهگاه شدن است. پناهجو را از صمیم قلب پذیرفتن و با آن غذای خود را تقسیم نمودن است. یتیم را حمایت نمودن، توجه داشتن به نیازهای بیوه است. مسافر را مهمان نمودن، به نابلد راه را نشان دادن است. نیکویی، بعضا احوال یک کودک را پرسیدن است؛ بعضا هم از دست سالمندی گرفتن است.

نیکی، بدون هیچ توقع پاداش، اعطا نمودن است. قدرت، انرژی، تجربه، مال، زحمت، محبت و مهربانی خود را بدون در نظر داشت پاداش دنیوی در میان گذاشتن است. نیکی انصاف است، فداکاری است، عدالت است، مهربانی است. نیکی دعا است، نیاز است، سلام است. یک بار کاشتن نهال و بار دیگر سیر نمودن گربه ی گرسنه است. میتوانید نیکی را در بوی کاسه ی غذای که به همسایه روان است، یا هم در طنین صدای راه نشان دهنده ی که برای راه پرسیده رهنمایی می کند حیس کنید. کسی که تلاش میکند تا اقاربی را که از هم قهراند صلح کند و کسی که شب و

روز کار می کند تا از راه حلال برای خانواده اش روزی کسب کند به این معنا است که کار نیکو انجام میدهد.

خلاصه نیکویی را در داخل جریانات زندگی در هر لحظه در هر جا و در هر شکلی میتوانید ببینید، انجام دهید، و احساس کنید. آیت ۱۷۷ سوره بقره تمامی محتوای این نیکی ها را به شکل کامل بیان میفرماید: نیکی (عبارت از) گردانیدن روی های خود به سوی غرب و شرق نیست. بلکه نیکی واقعی، روش و رفتار کسانی است که به خداوند و روز آخرت و فرشتگان و کتابها و پیامبران ایمان دارند؛ و مال خود را باوجود دوست داشتنشان به خویشاوندان، یتیمان، فقرا، در راه ماندگان، خواهندگان (از جهت ناچاری) و (در راه آزادی) بندگان، ببخشند و نماز را به درستی برپا دارند و زکات بدهند. و چون پیمان ببندند به آن وفا کنند و در سختی، مریضی و در زمان شدت جنگ (مقاومت میکنند) بردبارند. اینهاند که راستگواند. خود اینهاند که از ایستادن در مقابل خدا دوری می جویند.

روی دست گرفتن هرگونه تدابیر جهت
جلوگیری از شیوع بدی و افزایش فساد، در
تحت پوشش نیکی قرار میگیرد. به بدی که از
حرص و طمع تغذیه میکند توقف کن گفتن
از جمله لازمه ی مسلمان بودن است.

خیلی خوب، پس بدی چیست؟

وقتی بحث ما نیکی است بدون ذکر کردن چند جمله در مورد بدی، نباید از آن بگذریم. ما نمیتوانیم بگوییم اینکه در برابر نیکی مطلقاً بدی قرارداد. چونکه بدی هیچگاهی با نیکی در عین سویه قرار ندارد، نمیتواند بوده باشد. بدی همیشه از نیکی در سویه پایین قرار داشته و ضعیف است، اما نیکی همیشه از بدی برتر بوده و از آن خیلها افضلتر است. ازین جهت رسول خدا (ص) این را برای ما نصیحت فرموده است: «هرکجایی که باشی از خداوند بترس. به تعقیب بدی یک نیکی انجام بده تا اینکه آن را از بین ببرد. با انسانها با اخلاق نیکو رفتار کن.» (ترمذی، بر، ۵۵) پس نیکی توانایی این را دارد که تاثیرات مادی و معنوی بدی را از بین ببرد. بنابراین باز هم همین نیکی، بزرگترین کمک کننده ی کسی است که شاهد بدی میشود یا اشتباها بدی را انجام میدهد.

مبارزه در مقابل بدی حداقل به اندازه ی نیکی کردن حایز اهمیت است. در قرآن کریم چنین



آنچه که برای مؤمن لازم است این است که بخاطر برادران جغرافیای مظلوم خود دعا نماید، همراه با اطفال جنگ اشک بریزد، به انسانهای که هیچ شناسی با آنها ندارد از جهت اینکه بلافاصله از بدیها نجات یافته و با نیکی نفس بگیرند کمک بفرستد.

فرموده شده است: «و باید از میان شما گروهی باشند که امر به نیکی کنند و نهی از منکر نمایند. و اینها اند که رستگارانند.» (آل عمران، ۱۰۴/۳). روی دست گرفتن هرگونه تدابیر جهت جلوگیری از شیوع بدی و افزایش فساد، در تحت پوشش نیکی قرار میگیرد. به بدی که از حرص و طمع تغذیه میشود، توقف کن گفتن از جمله لازمه ی مسلمان بودن است. چشم نپوشیدن از بدی و پشتیبانی نکردن از اشخاص ظالم و بد از جمله علایم ایمان است. زیرا اینگونه میتوان نیکی را



توسعه داد و برای بشریت روزهای خوبتری را فراهم ساخت.

”پرنسیب «نیکی اخلاق نیکو است.» آیا به این معنا نیست که به قدر لازم همراه با سخن، رفتار و عاداتها به نیکی خدمت نمود و بدی را باید ضعیف ساخت؟ از هرگونه رفتار بد دست و دامن خود را باید کشید؛ آیا ترک نمودن دروغ فریب، تکبر، ریا، حسد فساد، دزدی اختلاس، خشم خشونت، تمام شدن بدی را فراهم نمیسازد؟ در آن حال مومن باید جانب نیکی را بگیرد، و بخاطر ایستادن

در مقابل بد و بدی بیشترین تلاش خود را به خرج دهد. گاهی انسان در مقابل بدی با ترس و هراس فکر میکند که توان جلوگیری آن را ندارد. درحالیکه موثرترین راه از بین بردن بدی افزایش نیکی است. و این را هر کسی میتواند انجام بدهد. پروردگار ما درین مورد چنین میفرماید: «نمیتواند نیکی و بدی یکسان باشد. تو (بدی را) به بهترین شکل مانع شو. پس ناگاه میبینی همان کسی که میان تو و او دشمنی است گویا دوست صمیمی شده است.» (فصلت، ۳۴/۴۱).

شایسته ی یک انسان نیکی کردن است. روح ما از نیکی تغذیه میکند. به عنوان یک مسلمان بجز از یک انسان نیکوتر بودن، نیکی بیشتر را انجام دادن و دفتر ثواب خود را تنها با نیکی پر کردن، دیگر چه هدفی میتوانیم داشته باشیم؟

در نزد پروردگار نیز نمیتواند بدی با نیکی سویه ی یکسان داشته باشد. یک نام خداوند متعال «البرّ» است یعنی «ذاتی که نیکویی و احسان او بی پایان» است. او در فطرت انسان نیکی را انتقال داده، ما را

نیکی و احسان

از زمان پیدایش مایل به نیکی خلق نموده است. از بندگان خود «برّ» را خواسته است یعنی خواسته است که هرگونه نیکی را باید زنده نگهدارند، هر عمل خود را با نیکی انجام بدهند، با نیکی و نیکویی دوست باشند. و هیچگونه اجازه ی به بدی را نداده اعلام نموده است که انجام هرگونه عمل بد بدون جزا گذاشته نخواهد شد. (زلزال، ۸/۹۹). نظر به بیان پیامبر گرانقدر ما، خداوند متعال چنین فرموده است: «بنده ام به انجام عمل نیک نیت کند آن را نتواند انجام دهد هم، برایش (اجر) یک نیکویی را مینویسم. اما آن را اگر انجام بدهد از ده تا هفت صد (اجر) نیکویی را مینویسم. اگر بنده ام به انجام یک عمل بد نیت کند، نتواند انجام دهد آن را (به عنوان گناه) مینویسم. اما اگر آن بدی را انجام بدهد برای آن تنها (گناه) یک بدی را مینویسم.» (مسلم، ایمان، ۲۰۴).

در آن حال نباید فریب جمله های چون «همیشه بدها کامیاب میشوند»، «شخص نیک را عمرش طولانی نیست.» را خورد. چون قدرتی که در پشت نیکی وجود دارد حق تعالی است. او نیکی را حمایت میکند و به نیکی امکان میدهد کفایت که انسان به پروردگار خود اعتماد کند، در پی

آیا از درد شاکی هستیم؟ از ظلم دردمندیم؟
آنگاه باید نیکی کنیم. و باور داشته باشیم که
ما را نیکی نجات خواهد داد!



نیکی و احسان

خوشنودی او باشد و از امکانی که او بخشیده است استفاده کند.

به کی باید نیکی کرد؟

هر گونه قدمی که بخاطر قابل زیست ساختن دنیا برداشته میشود میتوان اسمش را (نیکی و احسان) گذاشت. مانند گفته یک سخن نیک، «انسان را نیکی زنده نگه میدارد» در آن حال انسان، میتواند نخست کار خود را با نیکی به خود شروع کند. زیرا جهت آماده گردیدن به نیکی، در هر بعد و در هر عرصه نخست باید با خود رفتار نیک کند. با ایمان آوردن، به روح خود آرامش، با انجام عبادت به تن خود صحت‌مندی ببخشد. آیا نیکی دیگری وجود دارد که بزرگتر از وابسته گردیدن با صمیم قلب به توحید و رام شدن به سنت باشد؟ آیا میشود نیکی را که ادای نماز، پاک شدن با روزه، حج و عمره، صدقه و زکات، برای انسان و برای جامعه کسب می کند در موردش بحث و گفت و گو نمود؟

انسانی که ایمان دارد و عبادت میکند در عین حال باید تلاش کند تا نفس خود را تحت کنترل داشته باشد با اخلاق نیکو مزین گردد از عادات

پیامبر ما میفرمایند که:

«هر کسی که به
نیکی کردن شاد
گردد و به بدی
کردن غمگین
شود آن شخص
مؤمن است»

(ابن حنبل، ۴۰۹/۲)

نیکی و احسان

بد خود را نجات بدهد. کسی که صبر پیشه میکند، شکر گزاری میکند، گذشت میکند، محبت میکند، مهربانی نشان میدهد تلاش نماید تا یک انسان خوب به بار آید. با عبور از راه های که نیکی و اخلاق نیکو باهم اند رسیدن به رضای خداوند را در هدف خود داشته باشد. رسول خدا (ص) این راه را بر اساس فضیلت (راستی) اینگونه بیان نموده اند: «از راستی جدا نشوید. همانا راستی به نیکی، نیکی هم به جنت میرساند. کسی که همیشه راست بگوید و راستی را جستجو کند در نزد خداوند به عنوان صدیق (خودش و سخنش یکی) نوشته میشود. از دروغ پرهیزید! برای اینکه دروغ به بدی و بدی هم به جهنم میرساند. کسی که دروغ می گوید و دروغ را جستجو و می پالد به نزد خداوند آن شخص به عنوان دروغگو ثبت میشود.» (مسلم، برّ، ۱۰۵).

بعد از خودش انسان به محیطش نیکی می کند. مسلمان باید نیکی را از محیط نزدیکش شروع نماید، به طرز حلقه ها گسترش داده در آن باید پیشتاز باشد. در هر تصمیم گیری خود نیت نیک داشته باشد، باید متوجه باشد که اندیشه و رفتارهایش در خدمت نیکی و نیکویی قرار داشته

نیکی کردن به
مادر و پدر
اصلترین نیکی
است!



نیکی و احسان

باشد. باید روابط خود با خانواده، والدین، همسر، و فرزندان را به اساس نیکویی پایه گذاری کند. با رنگ احسان رنگین نماید. زیرا پیامبر محبوب ما: «بهترین شما کسی است که بهترین برخورد را با خانواده ی خود دارد. و من هم از میان شما در مقابل خانواده ام بهترین برخورد را دارم» (ابن ماجه، نکاح، ۵۰) می فرمایند و خود را مثال می آورد «از غذای که خود میخورید به همسرانتان هم بخورانید، از چیزهای که میپوشید به آنها هم بپوشانید، هرگز آنها را نزنید و به آنها بدگویی نکنید» (ابوداود، نکاح، ۴۰-۴۱) فرموده هشدار می دهد. «کسی که به اطفال ما رحم نمی کند و به بزرگان ما محترمانه رفتار نمی کند از ما نیست» (ترمزی، برّ، ۱۵) فرموده در این مورد هیچگونه انعطاف پذیری نشان نمی دهد. حتی مژده بزرگتری را در مورد رفتار نیک با دختران خورد سن خویش، میدهد: «هر کسی که معیشت سه دختر خورد سن خود را فراهم سازد، آنها را تربیه نموده به شوهر بدهد و به آنها به نیکویی رفتار کند جنت از اوست» (ابوداود، ادب، ۱۲۰-۱۲۱).

پیامبر ما است که نیکی کردن با والدین را برای ما مصرا نه توصیه کرده است. هنگامی که کسی

خداوند! به ما در
عطا فرما و در آخرت
ما را از عذاب دو

خداوند! به ما در دنیا نیکی
عطا فرما و در آخرت نیز
نیکی بده. ما را از عذاب
دوزخ نجات بده!

ر دنیا نیکی عطا
نیر نیکی بدہ.
سخ نجات بدہ!



پرسید «بهترین عمل کدام است؟» پیامبر ما چنین جواب فرمودند: «نمازی که در وقتش ادا می‌گردد و نیکی کردن به والدین.» (بخاری، توحید، ۴۸) اینک این نیکی عینا خود نیکی است.

در حلقه ی بعدی نیکی، همسایگان و خویشان ما می آید. پیامبر ما در مورد همسایگان ما که به نیکی ما از جمله مستحقترین اند، میفرمایند که: کسی که به خداوند و به روز آخرت ایمان دارد به همسایه خود نیکی کند! (مسلم، ایمان، ۷۷) یعنی اینکه نباید ایمان ما در قفسه سینه ما گیر بماند، باید به اعمال و رفتار ما هم انعکاس یابد. ایمان و اخلاق ما با یکدیگر خود مرتبط است، و یکی از جاهای که این وابستگی را بیشتر به نمایش میگذارد روابط ما با همسایگان است. آنچنانی که نظر به فرموده پیامبرمان، شهادت همسایه ما در مورد یک شخص نیک بودن ما در آخرت به نجات یافتن مایان کمک میکند: «وقتی یک انسان بمیرد، از همسایه های نزدیکتر آن از اهل سه خانه در مورد یک انسان خوب بودنش گواهی بدهند، خداوند متعال می فرماید: «بندگان من که بر مبنای فهم خود گواهی دادند قبول نمودم و دانسته های خود را هم بخشیدم.» (ابن حنبل، ۴۰۹/۲).

نیکی و احسان

چنین یک "رابطه ی نیک" شامل خویشاوندان ما نیز می شود. باید بدانیم، که با خویشان روابط نیک داشتن یک دروازه باز، مستقیماً بسوی رحمت و مغفرت خداوند است. روابط خود را با خویشان قطع نمودن بالخاصه به خویشاوندان بدی کردن خطر محروم گردیدن از رحمت پروردگار ما را با خود می آورد. رسول اکرم (ص) میفرماید که: «کسی که با خویشان روابط نیک خود را ادامه بدهد، خداوند نیز روابطش را با او ادامه خواهد داد؛ هرکسی که روابط خویشاوندی را قطع نماید، خداوند هم رابطه خود را با او قطع خواهد کرد.» (ترمذی، بر، ۱۶) کسانی که ارزش خویشاوندان را میدانند با وجود هرگونه سختیها با قلب پاک و با نیت صمیمی رابطه ی خویشاوندی را قطع نمیکنند. آنها در نتیجه تلاشهای خود به مژده پیامبر نائیل میگردند: «هرکه که میخواهد روزی اش بیشتر شود و یا هم آرزو دارد که عمرش طولانی گردد باید به روابط خویشاوندی ادامه بدهد.» (بخاری، ادب، ۱۲)، (بخاری، ادب، ۱۵)

در موضوع رابطه نیک و خویشاوندی یک نقطه حساس دیگر نیز وجود دارد. همچنانی که یک مسلمان برای انجام عمل نیک نیازی به سبب



ندارد همانگونه نباید از خویشاوندان خود پاداشی توقع داشته باشد. بهترین مکافات نیکی، در نزد خداوند است. چنانچه که پیامبر محبوب ما بیان فرموده اند: «صله ی رحم کننده کسی نیست که در مقابل نیکی که از خویشاوند خود میبیند، نیکی کند. در حقیقت صاحب صله رحم کسی است که خویشاوندش حتی نیکی را با او قطع نماید هم، او برای خویشاوندش نیکی نماید.» (بخاری، ادب، ۱۵).

چون قدرتی که
 در پشت نیکی
 وجود دارد حق
 تعالی است. او
 نیکی را حمایت
 میکند و به نیکی
 امکان میدهد.
 کافیست که انسان
 به پروردگار خود
 اعتماد کند، در
 پی خوشنودی او
 باشد و از امکانی
 که او بخشیده
 است استفاده کند.

نیکی که به گونه‌ی حلقه
 ها پخش میگردد تمام
 انسانهای را که در یک شهر
 با آنها زندگی میکنیم احاطه
 خواهد کرد. بدون شک
 نیکی که بسوی یتیمان،
 فقرا، بیکسان، کسانی که
 حسرت خانه را میشکنند،
 مهاجران و شاگردان،
 دراز میشود انسان را
 به پروردگارش نزدیک
 خواهد ساخت. لحظه‌ی

هم که باشد ارائه کمک مادی و یا هم معنوی برای
 زدودن درد و رنج قلبهای غمگین به معنای کمک
 نمودن به حاکم شدن نیکی در روی زمین است.
 آنچه که برای مؤمن لازم است این است که بخاطر
 برادران جغرافیای مظلوم خود دعا نماید، همراه با
 اطفال جنگ زده اشک بریزد، به انسانهای که هیچ
 شناسی با آنها ندارد از جهت اینکه بلافاصله از
 بدیها نجات یافته و با نیکی نفس بگیرند کمک
 بفرستد.

هرگز نیکی که
انجام داده ایم
هدر نمی رود.
هنگامی که به
سوی نیکی
قدم بر میداریم
کافیست که
نیت ما خالص
بوده باشد.
نفس ما به
تفاخر مبتلا
نشود. اعلانات
نیکی های ما
مثل یک سیلی
بر روی انسانها
نخورد...

نیکی و احسان

میخواهیم این را به عرض برسانیم که، نیکی یک انعکاس راز "اشرف مخلوقات" که در ذات انسان جاگرفته است، میباشد. از این جهت است که سخنان نیکویی و مثالهای نیکی بی پایان است. هر موجودی که جان حمل میکند به نیکی حسرت میکشد. از کوچکترین یک مورچه گرفته تا به عالم بزرگ، هر موجود زنده حق این را دارد که با او با احسان یعنی به بهترین شکل معامله شود. حضرت پیامبر با بیان فرمودن اینکه: «به هر موجود زنده ی که نیکی میشود یک ثواب دارد.» (بخاری، مساقات، ۹) این واقعیت را در میان میگذارد.

آنگونه که نیکی در روابط انسان با انسان یک اصل است همانگونه در روابط انسان با دیگر موجودات زنده نیز است. توان دیدن قدرت و صنعت خداوند در هر ذره کائنات، باید انسان را متوجه نیکی خداوند سازد. آب، کوه، آتش، حیواناتِ گوناگون و هزاران گونه گیاه را به اندازه ی که "بخشش" بودنش را میدانیم به همان اندازه دانستن "امانت" بودنش هم مهم است. عالم موجودات صبح و شب ذکر خداوند را میکند. به خدمت انسان پیشکش شدن عالم موجودات هرگز برای ما این حق را نمیدهد که ما آنها را

استثمار نماییم، از آنها سوء استفاده کنیم و ظلم را روا بداریم. یگانه صاحب امانت، انسان نیز مکلف است تا به آن صاحب مطلق حساب بدهد. حسابها را بر مبنای نیکی باید گرفت و نباید به بدی اجازه داده شود تا تمامی محاسبات را برهم بزند.

نیکی اما چگونه؟

پیامبر محبوب ما میفرمایند. «هر نیکی یک صدقه است.» (بخاری، ادب، ۳۳) یعنی نیکی کردن با صدقه دادن مساوی است. هر دو در اجر و ثواب برادراند. میان تنها در مقابل کسانی که برای ما خوبی میکنند مکلف نیستیم بلکه در مقابل هر کس مکلف به نیکویی هستیم. حضرت پیامبر درین مورد میفرمایند که: «شما شخصیت‌های ضعیف نشوید که میگویند اگر انسانها با ما نیکی کند ما هم نیکی میکنیم؛ اگر ظلم نمایند ما هم ظلم میکنیم. برعکس، به انسانهای که به شما نیکی میکنند برایشان نیکی کردن را هنگامی که به شما ظلم میکنند به آنها ظلم نکردن را برای خود به عنوان یک اصل پذیرید (ترمذی، برّ، ۶۳) پاداش نیکی را تنها از خالق نیکی باید جست. چونکه اگر نیکی به گونه‌ی «سودبری متقابلی» یعنی به خرید و فروخت مبدل گردد آنگاه نیکی از فضیلت

نیکی و احسان

بودن بیرون میشود. برعکس، قرآن کریم انسانهای که تنها بخاطر خوشنودی و کسب رضای خداوند نیکی میکنند را برای ما مثال میدهد: «آنها با وجود اینکه خود میل به غذا دارند به بینوا، یتیم، و اسیر میدهند. (بعد چنین میگویند): «ما شما را تنها بخاطر رضای خداوند غذا میدهیم. از شما انتظار هیچ پاداشی و سپاسی نداریم. زیرا ما از جهت روز غضبناک و دشوار از پروردگار خود میترسیم.» (انسان، ۸/۷۶-۱۰).

به شمول عکس العمل بد نشان ندادن در مقابل بدی، هیچ یک از عمل نیک ما به هدر نخواهد رفت. چه گفته است اجداد ما: «نیکی کن و به دریا انداز، اگر ماهی نداند آفریننده خواهد دانست!» هنگامی که به سوی نیکی قدم برمیداریم کافیتست که نیت ما خالص بوده باشد. هنگامی که امکان نیکی کردن را مییابیم کافیتست که نفسهای ما مغرور نشود. اعلانات نیکی های ما مثل یک سیلی بر روی انسانها نخورد...

سفر نیکویی، یک سفر ساده، آرام و عمیق است. درین سفر انسان باید به حدی حساس عمل کند که حتی اگر با دست راست خود نیکی کند دست چپش خبر نشود، نباید انسان با ریاکاری و



آب، کوه، آتش، حیواناتِ گوناگون
و هزاران گونه گیاه را به اندازه ی
که "بخشش" بودنش را میدانیم
به همان اندازه دانستن "امانت"
بودنش هم مهم است.

خودنمایی اجر نیکی های خود را ضایع سازد.
نیکی را باید فراموش کرد، هرگز طرف مقابل
خود را به عنوان یک خاطره ی که او را برنجانند
یا هم به عنوان یک فرصت از آن استفاده نکند.
چنانچه که در آیت کریمه ذکر میگردد: « گفتاری
پسندیده و گذشت بهتر از صدقه ای است که
آزاری به دنبال آن باشد.» (بقره، ۲/۲۶۳) پیامبر
ما کسی را که میخواهد نیکی خود را به منفعت
تبدیل نماید و به واسطه آن انسانها را تحت فشار
قرار بدهد، چنین هشدار میدهد: «کسی که نیکی
خود را منت میکند، والدین خود را آزار میدهد
و گرفتار مشروب است نمیتواند به جنت داخل
شود.» (نسائی، اشربه، ۶۶).

در نتیجه

میگوییم که: «زندگی زود گذر است!» و پیامبر ما
با بیان فرمودن اینکه: « قضا (و قدر) را تنها دعا
تغییر میدهد. عمر را تنها نیکی طولانی می کند.»
(ترمذی، قدر، ۶) فرمول طولانی کردن، با برکت

ساختن و با آسایش گذراندن این عمر کوتاه را
میدهد: «نیکی کردن.»

به عنوان انسان و به عنوان با ارزشمندترین موجود
روی زمین، بخاطر اصلاح و اعمار روی زمین
آفریده شدیم. در آن حال باید بدانیم بندگی ما با
آموزش اراده خود در راستای نیکی و ادا نمودن
عبادهای خود با شعور نیکی، «در روی زمین با
خدمتگذاری برای نیکی» به کمال میرسد.

در تمام طول عمر خود تلاش کنیم که از هر
فرصتی استفاده نموده نیکی جمع کنیم، نیکی
پخش نماییم و نیکی به وجود بیاوریم آیا از درد
شاکی هستیم؟ از ظلم دردمندیم؟ از بی عدالتی
بیزاریم؟ آنگاه باید نیکی کنیم. و باور داشته باشیم
که ما را نیکی نجات خواهد داد!

امروز اگر دنیا را قدرتهای احاطه نموده باشد که به
واسطه بدی سرپاستاده اند و ایدئولوژی های که
بخاطر منافع خود از هرگونه بدی کمک میطلبند؛
اگر اشخاصی افزایش یافته باشند که بدی را به
یک سیاست پایدار درآورده و نه به خیر انسانها،
بلکه برای حرص خود زندگی کنند؛ باور داشته
باشیم که نیکی ما را به روشنایی خواهد کشانید!

نیکی و احسان

ما مسلمانیم. نباید تبدیل بدی فردی و منطقه ای به حالت جهانی و سیستماتیک ما را بترساند و نا امید کند. ما نه بخاطر بدی، بلکه بخاطر نقطه وصل همه ی بشریت قرار گرفتنِ نیکی، بدون توقف باید تلاش نماییم. آنچه که بر ما لازم است با نیکی بدی را از میان برداریم و نیکی بیشتری انجام بدهیم. بر ما لازم است باورمند به این باشیم وقتی عمل نیک انجام بدهیم، نیک بیاندیشیم، نیک رفتار کنیم، نیک احساس نماییم ابرهای تاریک و سیاه از زندگی ما برداشته میشود. بر ما لازم است که امیدوار باشیم وقتی بر روی زمین نیکی صورت بگیرد دروازه های رحمتِ روی آسمان باز میگردد، مرحمت الهی به جوش میآید.

پیامبر ما میفرماید که: «هر کسی که به نیکی کردن شاد گردد و به بدی کردن غمگین شود آن شخص مؤمن است» (ابن حنبل، ۴، ۳۹۹) اگر مؤمن بودن به معنای با انجام عمل نیک، خوشحال گردیدن باشد حتی کوچک ترین نیکی را هم دست کم نگرفته به افزایش و برکت یافتن نیکی باور داشته به نیکی کردن ادامه بدهیم. به نام صلح، خیر، حسنات، بشردوستی و ایثار تمامی امکانات خود

را به کار بیاندازیم. نسل های را به بار بیاوریم که با عقل، تن و جان خود همیشه خادم نیکی باشند. شایسته ی یک انسان، نیکی کردن است. روح ما از نیکی تغذیه میکند. به عنوان یک مسلمان بجز از یک انسان نیکوتر بودن، نیکی بیشتر را انجام دادن و دفتر ثواب خود را تنها با نیکی پر کردن، دیگر چه هدفی میتوانیم داشته باشیم؟ دیگر چه وظیفه ی می توانیم داشته باشیم بجز از اینکه ایمان خود را با عمل خود تقویت ببخشیم، به او امر پروردگار خود که در مورد نیکی است رعایت نموده و به هشدارهای او در مورد بدی دقت به خرج بدهیم؟ پس، منطق «کسی که برای ما بدی کرد ما هم بدی میکنیم» را کنار بگذاریم. به نژاد، جنسیت، رنگ، زبان و عقیده تبعیض قائل نشده با تمامی مخاطبان خود نیکی کنیم. نیکی را از پدر و مادر، همسر و فرزندان خود شروع نموده به محیط خود مسلط نماییم. به فرزندان خود نیکی را بیاموزیم، آنها را با نمونه های نیکی آشنا بسازیم، با اهل خانواده به نیکی سرمایه گذاری کنیم. چونکه نیکی یک سرمایه گذاری است که هیچگاه ضرری با خود نمی آورد.

نیکی و احسان

خویشان، همسایه، همکار و مشتری ما از ما نیکی ببینند. قلبهای جامعه ما که به نیکی تشنه اند با ما خوشحال گردد. به اندوختن نیکی، به پخش نیکی و به ایجاد نیکی تلاش نماییم و از جانبی هم دعا را از زبان خود دور نکنیم: «خداوندا! به ما در دنیا نیکی عطا فرما و در آخرت نیز نیکی بده. ما را از عذاب دوزخ نجات بده! (مسلم، ذکر، ۲۶).

